

# وفاق در منافع ملی

بهزاد نبوی در گفتوگو با «اعتماد» از مفهوم آشتی ملی، اولویتهای دولت چهاردهم و تحولات رادیکالها میگوید

رفع حصر برای بسیاری از طیفها و جناحهای سیاسی يك اولویت جدی است. اولویت نخست دولت پزشکیان باید حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم باشد

مهدی بيك اوغلي

«برداشت پزشکیان از وفاق ملی یعنی آشتی افراد و جریانات سیاسی حول محور منافع ملی.» این عباراتی است که بهزاد نبوی، فعال سیاسی اصلاح طلب و چهره برجسته عرصه سیاست ایران زمین با استفاده از آن تلاش می کند تفسیر خاص خود از مفهوم وفاق را ارایه کند.

وفاق در واقع مهم ترین کلیدواژه‌ای است که پس از پایان انتخابات 1403 همراه با واژه‌هایی چون عدالت، رفع تبعیض، توسعه با جهان و... در فضای سیاسی و عمومی کشورمان طنین انداز شد؛ عبارتی برآمده از راهبرد کلی مسعود پزشکیان که ظاهراً ماحصل سالها سیاست‌ورزی در عرصه سیاسی کشور است. به اعتقاد مسعود پزشکیان، هیچ دولتی در ایران بدون همراهی و مساعدت نهادهای حاکمیتی و طیفهای مختلف سیاسی قادر نخواهد بود از مشکلات اساسی کشور گره‌گشایی کرده و فاصله ایرانیان را با کرانه‌های توسعه کاهش دهد، اما این ضرورت تنها يك روی سکه است، روی دوم سکه توسعه در ایران، فربه‌سازی نهادهای مدنی، افزایش مشارکتهای عمومی، انسجام اجتماعی و در کل اعتماد مردم به دولت است. مبتنی بر این ضرورت است که پزشکیان از

يك طرف به دنبال پاسخگويي به مطالبات مردم در پرونده‌هايي چون احياي برجام، رفع فیلترینگ، حل معادله حجاب اجباري و حتي رفع حصر است و ازسوي ديگر با طرح موضوع دولت وفاق ملي تلاش مي‌کند توجه ساير جناح‌ها و نهادهاي بالادستي را جلب کند. بهزاد نبوي هر چند گره‌گشايي از پرونده‌هايي چون فیلترینگ، حصر، حجاب اجباري و... را داراي اهميت بنيادين مي‌داند، اما در عين حال معتقد است مهم‌ترين اولويت پيش روي دولت چهاردهم، بهبود شاخصهاي اقتصادي و معيشتي و رفع تنگناهاي اقتصادي است.

او با تکیه بر رفتار مجلس با کليت کابينه چهاردهم و راي اعتماد به آن، معتقد است که زمينه براي حل معضلات وجود دارد. نبوي حمايت رهبري در تاييد صلاحيت دکتر پزشکیان در انتخابات رياست‌جمهوري 1403 را معنادار ارزيابي کرده و معتقد است، اين حمايت باعث شد، سيطره طيفهاي تندرو در عرصه سياسي و تداوم پروژه خالصسازي فعلا متوقف شود. هر چند به اعتقاد اين فعال سياسي، جا يگاه رهبري در معادلات قدرت در ايران به گونه‌اي است که هرگز منتج به حذف يك جريان سياسي (حتي تندروها) نميشود.

اين روزها دیدگاه‌هاي متفاوت و بعضا متضادي درباره مفهوم دولت وفاق ملي در رسانه‌ها و محافل سياسي مطرح ميشود. شما به عنوان يك چهره با سابقه سياسي چه تعريفی از وفاق ملي داريد؟

در مورد مقوله وفاق ملي، 2 بحث کلي در اذهان عمومي وجود دارد؛ نخست افراد و گروه‌هايي که با دیدگاه‌ها و گفتمان دکتر پزشکیان چندان موافقتي ندارند، معتقدند وفاق ملي به معنای همدلی حاکمیت با اکثریت مردم است. البته حرف خوبي است. اينکه حاکمیت با مردم همراهي و همدلي داشته باشد، بحث خوبي است و حتی ضروري است، اما معتقدم نکته‌اي که دکتر پزشکیان طرح کرده؛ برداشت ديگري از «وفاق» است. به نظر مي‌رسد که هدف دکتر پزشکیان از طرح شعار وفاق ملي، در واقع آشتي و نزديکي طيفهاي مختلف سياسي حول منافع ملي باشد. اين برداشت من از معنا و مفهوم وفاق در اين برهه است. یک مثال برای شما می‌زنم تا بحث شفاف‌تر شود، دکتر پزشکیان در مصاحبه‌ها و مناظره‌هاي قبل و پس از انتخابات، مرتب تاکيد داشت که «نباید با هم دعوا کنیم.» اين عبارت به زبان ساده تعريف وفاق ملي است. يعني طيفها، گروه‌ها و جريانات مختلف سياسي به جاي اينکه در مقابل هم قرار بگيرند، براي حفظ منافع ملي به مشترکات توجه کرده و در کنار هم قرار بگيرند. اين مفهومي است که رييس‌جمهور منتخب مدنظر دارد و معنای آشتي و نزديکي گروه‌ها و جناح‌هاي سياسي حول منافع ملي از آن

متبادر میشود. برداشت من هم از شعار وفاق ملی، برداشت دوم است. نه اینکه مخالف برداشت نخست باشم یا برداشت نخست اشتباه باشد، اما گزاره‌ای که دکتر پزشکیان مطرح کرده و برای تحقق آن تلاش می‌کند، برداشت دوم است.

**چرا مهم است که افراد و جریانات مختلف سیاسی حول محور يك هدف مشخص تلاش کنند؟**

معتقدم شرایط فعلی کشور به گونه‌ای است که طیف‌های سیاسی مختلف حتما باید به نقاط اشتراك خود بیشتر توجه کنند، چرا که کشور، شرایط خوبی ندارد. مساله این است اگر همه طیف‌ها و جناح‌ها کنار هم قرار گرفته و به منافع ملی فکر کنند، امکان پشت سر گذاشتن مشکلات وجود خواهد داشت. متأسفانه جناح‌های سیاسی و فکری ایران به گونه‌ای تربیت نشده‌اند که در عین رقابت بتوانند از منافع ملی صیانت کنند. وقتی از حزب دموکرات و جمهوری‌خواه امریکا صحبت می‌کنیم، آنها 200 الی 300 سال است با هم رقابت کرده، روش‌های رقابت را می‌دانند و همگی حول محور منافع ملی با هم اشتراك نظر دارند. اما باید بدانیم وضعیت متفاوتی در عرصه سیاسی و جناحی ایران حاکم است. لذا ایران امروز بیشتر از هر زمان دیگری به وفاق نیاز دارد. مثال دیگری برای روشن شدن بحث می‌زنم، حتما خاطرتان هست، در زمان دولت حسن روحانی برخی افراد و جریانات با برجام مخالفت‌های جدی می‌کردند. اغلب این مخالفت‌ها تخصصی نبودند و رویکردی ضد منافع ملی داشتند. مسعود پزشکیان می‌خواهد این شرایط دوباره تکرار نشود. زمانی که تصمیمی در راستای منافع ملی اتخاذ می‌شود، ضروری است همه جناح‌ها، مصالح عمومی را درك کرده و از آن حمایت کنند. نه اینکه به خاطر رقابت‌های سیاسی و جناحی هر طیفی، طیف دیگر را خنثی کرده و از رسیدن به هدف بازدارند.

**به عنوان چهره‌ای که سال‌ها در فضای سیاسی کشور حضور داشته‌اید، فکر می‌کنید ظرفیت دستیابی به يك چنین هماهنگی یا هارمونی یا وفاقی امروز در فضای سیاسی کشور وجود دارد؟ برخی تحرکات از سوی طیف‌های تندرو نمایان شده که نشان می‌دهد، مانع‌تراشی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها ممکن است ادامه داشته باشند.**

برخوردی که اکثریت مجلس دوازدهم با کابینه دکتر پزشکیان داشت، نشانه وجود ظرفیت‌های مناسبی در این زمینه است. البته نقش رهبری را هم بسیار تعیین‌کننده می‌دانم. وقتی ایشان نظر می‌دهند که خوب است به کابینه پزشکیان رای اعتماد داده شود و کلیت کابینه رای می‌

آورد، ایده وفاق ملی بیشتر به عینیت نزدیک می‌شود. پس از این تایید و تاکید است که نمایندگان مجلس، به خاطر منافع ملی به کلیت کابینه چهاردهم رای اعتماد می‌دهند. از این منظر و با تکیه بر این نشانه‌های ملموس، شعار وفاق ملی را قابل تحقق می‌دانم. اگر گروه‌ها و افراد الزاما منافع جناحی و گروهی را مد نظر قرار ندهند، تحقق ایده وفاق ملی ممکن است.

**اگر فرض بگیریم که افراد و جناح‌های سیاسی به ضرورت تحقق منافع ملی تن دهند، دولت باید کدام اولویت‌ها را مد نظر قرار دهد؟ آیا در زمینه اولویت‌ها هم اشتراك نظر میان طیف‌های مختلف وجود دارد؟**

معتقدم مسائل بسیار مهمی در کشور وجود دارند. مثلا برای برخی طیف‌های سیاسی، آزادی و دموکراسی اهمیت بسیار زیادی دارد. در نقطه مقابل ممکن است برخی طیف‌های دیگر به این گزاره‌ها، اهمیتی ندهند. همچنین مسائلی چون حجاب اجباری، موضوع فیلترینگ و برخی موارد دیگر هم موافقان و مخالفانی دارند! اما اولیاتی که باید به عنوان مهم‌ترین اولویت و هدف مسعود پزشکیان مد نظر باشد، حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است. همه طیف‌ها هم روی این ضرورت توافق دارند. هیچ جناحی وجود ندارد که مخالف حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم باشد. حتی بخش عمده‌ای از مردم و طیف‌هایی که از وضع موجود ناراضی‌اند، در صورت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی، نسبت به حل معضلات دیگر انعطاف بیشتری از خود نشان خواهند داد.

**این اظهارنظر شما آیا به این معنا است که دولت باید موضوعاتی چون دموکراسی و آزادی، رفع فیلتر و مقوله حجاب و... را از اولویت‌هایش کنار بگذارد؟**

من نمی‌گویم دولت باید این پرونده‌های مهم را کنار بگذارد. اتفاقا دکتر پزشکیان در ایام انتخابات برای رفع این مشکلات وعده‌هایی داده و باید حل این معضلات را نیز دنبال کند. اما گزاره‌ای که می‌تواند به عنوان هدف اصلی در راس برنامه‌های دولت چهاردهم قرار بگیرد، حل معضلات اقتصادی و معیشتی و رفاهی است. در اینکه مشکل اقتصاد و معیشت مهم‌ترین اولویت هر دولتی از جمله دولت آقای پزشکیان است تردیدی وجود ندارد.

**اما قبول دارید حتی در بحث حل مشکلات اقتصادی، جریان‌ات مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی را دارند. یعنی طیف‌های سیاسی گوناگون، اصل موضوع حل مشکلات اقتصادی را می‌پذیرند اما راه‌حل‌های متفاوتی برای**

آن آرایه می‌کنند. مثلاً اصلاح‌طلبان، میان‌روها و حتی اصولگرایان معتدل و مردم به بهبود مناسبات ارتباطی با قدرتهای جهانی اعتقاد دارند، الزامات بازار را می‌پذیرند و معتقد به پویایی بخش خصوصی هستند، اما طیفهای اقلیتی هستند که اصل مذاکره را زیر سوال برده و معتقد به سیطره دولت در بازارها و... هستند.

درست می‌گویید، هرچند جناح‌ها همگی موافق حل معضلات اقتصادی و معیشتی هستند، اما در اینکه با استفاده از چه روش‌هایی و چگونه می‌توان این مشکلات را حل کرد، بین افراد و جریان‌ها گوناگون، اختلاف نظرهایی وجود دارد. بسیاری از طیفهای سیاسی و عموم مردم تصور می‌کنند مهم‌ترین راه برای حل مشکل اقتصاد و معیشت، تجدید نظر در حوزه سیاست خارجی است. یعنی همگی معتقدند حوزه سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای تغییر کند که بتوان موانع رشد و توسعه اقتصادی و موانع حل مشکلات معیشتی را از سر راه برداشت. اساساً خود دکتر پزشکیان هم در بسیاری از بحث‌های قبل و پس از انتخابات اشاره داشتند که نمی‌توانیم با همه دنیا دعوا کنیم. این عبارت به زبان ساده، معنای تجدید نظر در حوزه سیاست خارجی را به ذهن متبادر می‌کند. اکثریت قریب به اتفاق طیفهای سیاسی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب این ضرورت را قبول دارند. تنها اقلیت کوچکی هستند که دیدگاه متفاوتی دارند. البته این طیف خاص، ممکن است در عمل نتایج تجدید نظر در سیاست خارجی را بپذیرد، هرچند در تئوری مخالف باشد. بنابراین معتقدم مهم‌ترین کاری که دکتر پزشکیان باید انجام دهد، تجدید نظر در حوزه سیاست خارجی با هدف ساماندهی اقتصاد و معیشت ایرانیان است.

درباره طیفهای اقلیت رادیکال صحبت کردید. به نظر می‌رسد پس از انتخابات، تحولاتی در کنشگری طیفهای رادیکال جناح راست رخ داده است. نماد بارز این تحولات در رای اعتماد مجلس به کلیت کابینه پزشکیان علی‌رغم تلاش طیفهای تندرو برای افتادن برخی وزرا نمایان شد. در واقع برخی معتقدند کنشگری طیفهای تندرو محدودتر شده است. به نظر شما آیا تغییری در این زمینه رخ داده است؟

من که خبر و اطلاع موثقی در این خصوص ندارم. اما حمایت رهبری در تایید صلاحیت دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری 1403 بسیار معنادار است. فراموش نکنید، مسعود پزشکیان برای انتخابات مجلس دوازدهم هم رد صلاحیت شده بود. از سوی دیگر تاکید بر دستگاه‌های اجرایی که سعی کنند، انتخابات را بدون تخلف در سطوح بالا اجرایی کنند، بسیار گره‌گشا بود. همه معتقدند در انتخابات اخیر قلب و

تخلف خاصی در سطوح بالا رخ نداده است. البته در سطوح پایین‌تر مانند بخش‌ها و شهرها و... ممکن است تخلفاتی رخ داده باشد، همان‌طور که در هر دوره انتخابات ممکن است يك چنین تخلفاتی رخ دهد، اما در سطوح کلان به نظر من، شاهد تقلب سازمان یافته نبودیم. این روند جز با خواست و مطالبه رهبری مبنی بر برگزاری انتخاباتی سالم، شفاف و رقابتی قابل تحقق نبوده است. چرا که بحث وفاق ملی در این زمینه هم وجود دارد. نباید فراموش کرد برای رهبری حفظ همه طیف‌ها اعم از میانه‌روها، تندروها و مستقلین و... اولویت است. بعید است که رهبری بخواهد طیف خاصی را به‌طور کامل از صحنه سیاسی خارج کند. اما رویکردها و مواضع رهبری می‌تواند برای جهت دادن به طیف‌های مختلف راهگشا باشد تا آنها بدانند درباره مسائل کشور چگونه می‌بایست برخورد کنند. وفاق ملی، حول منافع ملی امکان تحقق دارد، چون رهبری هم به دنبال همین موضوع است.

در این میان برخی تحلیلگران معتقدند تحقق وفاق ملی و متعاقب آن آشتی ملی نیازمند پیش‌زمینه‌هایی چون پایان حصر، آزادسازی زندانیان سیاسی، تحقق حقوق شهروندی و... است. فعالان سیاسی معتقدند، سیستم در ادامه باید به سمت گره‌گشایی از این معادلات هم برود. طی روزهای اخیر اخباری از پایان حصر و تعدیل در برخورد با زندانیان سیاسی منتشر می‌شود. شما این قطعات را چگونه کنار هم قرار می‌دهید؟

این موضوع بحث جدیدی است که شخصا هنوز به جمع‌بندی کاملی درباره آن نرسیده‌ام. مع الوصف به نظرم می‌رسد که این موارد هم ذیل اولویت‌های دولت قرار دارد. رفع حصر برای بسیاری از طیف‌ها و جناح‌های سیاسی يك اولویت جدی است که باید به آن توجه شود. اما من چون حل مشکل اقتصاد و معیشت مردم، همچنین تغییر در حوزه سیاست خارجی را به عنوان اولویتی که همه طیف‌ها روی آن اشتراک نظر دارند، می‌دانم به آنها بیشتر اشاره کردم. البته که دولت باید به مساله حجاب توجه ویژه‌ای داشته باشد. همچنین رفع فیلترینگ يك اولویت جدی است که نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آن عبور کرد. رفع حصر هم مطالبه و خواسته بسیاری از ایرانیان است. منتها من کماکان اولویت بنیادین و فراگیر کشور را تجدید نظر در حوزه سیاست خارجی برای حل مسائل اقتصادی و معیشتی می‌دانم.